



اعراب به رهبران ایران بیش از سران خود احترام می‌گذارند

بر اساس نظرسنجی انجام شده از سوی نشریه "مانتلی ریویو" مردم کشورهای عربی همواره برای رهبران ایرانی احترام بیشتری قائل هستند. زیرا ایرانی‌ها از انقلاب اسلامی بر خلاف سران کشورهای عربی، به سختی در مقابل سیاست‌های امپریالیستی در منطقه ایستادگی کرده‌اند.

پایگاه خبری-تحلیلی کانترپانچ نوشت: بر اساس نظرسنجی انجام شده از سوی نشریه "مانتلی ریویو" مردم کشورهای عربی همواره برای رهبران ایرانی احترام بیشتری قائل هستند. زیرا ایرانی‌ها از انقلاب اسلامی بر خلاف سران کشورهای عربی، به سختی در مقابل سیاست‌های امپریالیستی در منطقه ایستادگی کرده‌اند.

به گزارش فارس، مجله "کانترپانچ" در مقاله‌ای به بررسی تحولات اخیر خاورمیانه و شکست طرح‌های آمریکایی در منطقه پرداخته است.

کانترپانچ در ابتدای این مقاله با یادآوری طرح نومحافظه‌کاران آمریکایی موسوم به "تاثیر دومینویی" که قرار بود با سرنگونی طالبان و صدام حسین در افغانستان و عراق آغاز شود، می‌نویسد: قرار بود این طرح با فروپاشی سران "غیردوست" رژیم‌های مخالف آمریکا مثل ایران و سوریه که منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه را تامین نمی‌کنند، ادامه یابد.

* رژیم‌های دوست و همراه آمریکا در منطقه در حال فروپاشی هستند

البته در این طرح قرار نبود که هیچ تهدیدی متوجه رژیم‌های "دوست" یعنی مصر، تونس، اردن، عربستان سعودی، یمن، بحرین و دیگر هم‌پیمانانی که در صف دوستان ایالات متحده قرار داشتند، شود.

در حقیقت قرار بود تا نوع رژیم‌های "مستقل" تغییر کرده و کشورهای مخالف آمریکا تبدیل به کشورهای وابسته‌ای شوند که همراه با طراحی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا و اسرائیل در منطقه حرکت کنند.

این در حالی است که یک دهه بعد از آغاز اجرای طرح "تاثیر دومینویی" آمریکا، جریان‌های سیاسی در خاورمیانه دقیقاً در جهت مخالف طراحی‌های آمریکا حرکت می‌کنند. بطوریکه به جای سقوط رژیم‌های مخالف و غیردوست با آمریکا، هم‌اکنون این رژیم‌های دوست و همراه با آمریکا هستند که یکی پس از دیگری فرو می‌پاشند.

* حکومت‌های دیکتاتوری و فساد گسترده، در کشورهای همراه با آمریکا هستند

این گزارش در توضیح دلیل شکست طرح‌های آمریکا در منطقه می‌نویسد: شماری از معیارهای مهمی که به تحول اجتماعی و مثبت دنیای عرب کمک می‌کنند، مشکلات اقتصادی، حکومت‌های دیکتاتوری و فساد گسترده در کشورهای همراه با آمریکا، هستند. اما در حالی که این معیارهای کاملاً مشهود در بسیاری از تحلیل‌ها از انقلاب‌های اخیر کشورهای عربی بیان شده‌اند، برخی از دلایل بسیار مهم اما کمتر مشهود، نادیده گرفته شده‌اند که از جمله این معیارهای کمتر بیان شده عبارتند از: اشتیاق به حفظ حق تمامیت ارضی، خستگی و نارضایتی شدید از رفتار وحشیانه‌ای که با مردم فلسطین می‌شود و عصبانیت ناشی از جریان بداندیشی که علیه ارزش‌های فرهنگی و دینی مسلمانان شروع شده است.

* مسلمانان از تبعیت و تبانی حاکمانشان با آمریکا و اسرائیل خشمگین هستند

به عبارت دیگر، اینطور نیست که مسلمانان و اعراب تنها از سرکوبگری دولت‌ها، فساد و مشکلات اقتصادی خسته باشند بلکه آن‌ها از تبعیت و تبانی حاکمانشان با آمریکا و اسرائیل نیز خشمگین هستند و توطئه‌های غرب علیه میراث فرهنگی و دینی آن‌ها نیز به خشم آن‌ها افزوده است.

بر اساس این گزارش، غالب مردم کشورهای عربی به دلیل آنکه حاکمانشان افراد مستبدی هستند که از قدرت‌های خارجی تبعیت می‌کنند، ناراحت بوده و احساس حقارت می‌کنند.

از سوی دیگر این مردم قادر به پذیرش رفتار وحشیانه‌ای که با فلسطینیان می‌شود را ندارند. در واقع اعراب و مسلمان تشکیل رژیم اشغالگر اسرائیل را که با ایجاد رعب و وحشت، تصفیه نژادی و تبعید دست‌کم 750 هزار فلسطینی از خانه‌هایشان همراه بود و خشونت‌های هر روزه علیه فلسطینیان را خشونت‌های ذلیل و پست کننده علیه همه مسلمانان می‌بینند.

* رسانه‌ها و سیاستمداران آمریکایی سعی در بی‌اهمیت جلوه دادن قیام‌های مردمی هستند

با این حال، رسانه‌ها و سیاستمداران آمریکایی تمایل دارند تا نقش احساسات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی مردم در قیام‌های اخیر کشورهای عربی را نادیده بگیرند و یا آن را بی‌اهمیت جلوه دهند. برای مثال "توماس فرایدمن" سرمقاله‌نویس روزنامه

"نیویورک تایمز" در مقاله 16 فوریه خود اظهار داشت: مصر هم‌اکنون به طرز ویژه‌ای بواسطه جوانان خود بیدار شده است. اما نه برای جنگ با اسرائیل یا آمریکا بلکه در راه تلاش برای قدرت یافتن و رسیدن به بزرگی و آزادی؛ اما واضح است که فرایدمن باید تعریف خیلی غیرمعمولی و محدودی از آزادی داشته باشد که چیرگی یک قدرت خارجی بر کشور را نقض آزادی نمی‌داند. همچنین باید توجه داشت اگرچه مشکلات اقتصادی نیز از جمله دلایل قیام مردم عرب است اما اشتیاق برای استقلال و احساسات ضد امپریالیستی نیز نقش مهمی را در این قیام‌ها ایفا کرده‌اند. به همین خاطر است که اعتراضات تنها در سطوح مختلف این جوامع دیده می‌شود و فقیر و ثروتمند در کنار یکدیگر به خیابان‌ها می‌آیند. و وکیل، دکتر و معلم به همراه هنرمندان و روشنفکران قیام کرده‌اند.

* شعارها در مصر تنها علیه مبارک نبودند، بلکه علیه آمریکا و اسرائیل نیز بود

این گزارش می‌افزاید: همانطور که انتفاضه فلسطینیان برای پایان بخشیدن به اشغالگری صهیونیست‌ها شکل گرفته است، قیام‌های گسترده مردم دنیای عرب نیز نشانگر یک انتفاضه وسیع به منظور پایان دادن به تسلط امپریالیست‌ها بر دولت‌های عرب است. شاهد این مدعا را نیز می‌توان در صحنه‌ها و شعارهایی که در میدان التحریر قاهره دیده و شنیده می‌شد، پیدا کرد. شعارهایی تنها علیه رژیم مبارک نبودند، بلکه علیه آمریکا و اسرائیل نیز گفته می‌شدند. یکی از مصری‌های حاضر در میدان التحریر در این‌باره گفت: ما با آمریکا یا دولت دیگری نیستیم. ما می‌توانیم خودمان به خودمان کمک کنیم... ما مخالف مداخله آمریکا در تشکیل دولت دموکراتیک مصر هستیم. ما علیه هرگونه دخالت خارجی هستیم... ما مصری هستیم و می‌توانیم خودمان سرنوشت‌مان را تعیین کنیم.

* افکار عمومی خاورمیانه علیه سیاست‌های آمریکا جریان دارد

وی افزود: من اسرائیل را یک کشور نمی‌دانم. اسرائیل یک اشغالگر است. من به عنوان یک مصری، موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسم. و هر دولت عربی که با اسرائیل معامله کند و یا تحت آن عمل کند را نیز به رسمیت نمی‌شناسیم. چنین اشتیاق‌هایی برای استقلال یافتن از تأثیرات خارجی موجب شد تا "جرمی بانرمن" تحلیل‌گر سابق مسایل خاورمیانه در ستاد سیاست‌گذاری وزارت خارجه آمریکا، در 27 ژانویه 2011 طی یک برنامه رادیویی اذعان کند که "افکار عمومی خاورمیانه علیه سیاست‌های آمریکا جریان دارد و هر تغییری که در هر یک از دولت‌های خاورمیانه انجام شود و با حمایت مردم نیز همراه باشد، مسیری ضدآمریکایی و غیردوستانه نسبت به ایالات متحده خواهد داشت که این امر یک مشکل جدی سیاسی برای ما خواهد بود."

* اعراب به سران ایران بیش از سران عرب خود احترام می‌گذارند

گزارش کانترپانچ ادامه می‌دهد: این مطلب که اعراب تا چه حد از سران خود به خاطر خدمت به منافع آمریکا و اسرائیل متنفر و از رفتار وحشیانه‌ای که با فلسطینی‌ها می‌شود، خشمگین هستند، در نظرسنجی‌ها نیز قابل مشاهده است. بطوریکه بر اساس نظرسنجی انجام شده از سوی نشریه "مانتلی ریویو" مردم کشورهای عربی همواره برای رهبران ایرانی احترام بیشتری قائل هستند. این در حالی است که رهبران ایران نه عرب هستند و نه سنی؛ با این حال اعراب به سران ایران بیش از سران عرب خود احترام می‌گذارند. زیرا ایرانی‌ها از انقلاب سال 1979 این کشور، برخلاف سران کشورهای عربی، به سختی در مقابل سیاست‌های امپریالیستی در منطقه ایستادگی کرده‌اند.

این در حالی است که دو رژیم پیشین مصر یعنی رژیم حسنی مبارک و انورسادات، به خاطر تبعیت از آمریکا و اسرائیل منفور بودند. زیرا در حالی که رژیم صهیونیستی از زمان تاسیس در سال 1948 تا سال 1979 از سوی هیچ یک از کشورهای عربی به رسمیت شناخته نشد اما مصر در سال 1979 به رهبری سادات با امضای "توافقنامه صلح" با اسرائیل که به پیمان کمپ دیوید معروف شد، خود را از باقی دنیای عرب و اسلام جدا کرد.

* امضای پیمان کمپ دیوید مصر را تبدیل به متحد اسرائیل و آمریکا در خاورمیانه کرد

بر اساس این گزارش، اگرچه پیمان کمپ دیوید بطور رسمی بین مصر و رژیم صهیونیستی بود اما ایالات متحده نیز نقش کلیدی را در امضای آن ایفا کرد و حتی توافق نمود که در ازای به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیستی از سوی مصر و سرسپردگی این کشور به دستورات ژئوپلیتیکی و اقتصادی آمریکا و اسرائیل در منطقه، به مصر کمک‌های نظامی و مالی به ارزش حدودی 2 میلیارد دلار در سال اعطا کند.

"الیسون ویر" نویسنده و خبرنگار آمریکایی در رابطه با اهمیت پیمان کمپ دیوید می‌گوید: مصر با به رسمیت شناختن اسرائیل و عادی‌سازی روابط خود با این رژیم، راه را برای عادی‌سازی روابط دیگر کشورها با موقعیت غیرعادی فلسطین را باز کرد. به هر حال از زمان امضای پیمان کمپ دیوید، مصر تبدیل به متحد اسرائیل و سنگ بنای منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایالات متحده

در خاورمیانه شد. و راه‌های هوایی، دریایی و زمینی خود را به روی نیروهای مسح آمریکایی گشود.

* تلاش مصر به تشویق دولت‌های منطقه برای همراهی با آمریکا و اسرائیل

مصر همچنین کوشید تا با تشویق و یا به زور دولت‌ها و نیروهای سیاسی دیگر منطقه را نیز وادار به همراهی با منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی کند. این کشور همچنین به عنوان نیرویی مخالف به منظور تعدیل قدرت کشورهای مثل ایران عمل می‌کرد که مخالف طرح‌های امپریالیستی آمریکا و اسرائیل در منطقه هستند.

در همین حال مصر به عنوان یکی از "شرکای صلح" با رژیم صهیونیستی در سیاست‌های استعماری و مفسدانه این رژیم برای سرکوب مردم فلسطین مشارکت می‌کرد.

نکته جالب آنکه، تحت تأثیر آمریکا و رژیم صهیونیستی انور سادات به همراه بگین نخست‌وزیر اسرائیل، جایزه صلح نوبل را به خاطر امضای پیمان کمپ دیوید دریافت کرد. پیمانی که حامیان استقلال مصر و مدافعان حقوق مردم فلسطین آن را خیانت و تسلیم شدن در برابر توسعه‌طلبی صهیونیستی و امپریالیسم آمریکا می‌دانند.

* انور سادات به خاطر امضای پیمان صلح با اسرائیل ترور شد

در نتیجه خشم و اعتراضی که امضای کمپ دیوید در مصر و دنیای عرب و اسلام بوجود آورد، انور سادات به خاطر امضای پیمان صلح با اسرائیل ترور شد.

این گزارش با تأکید بر اینکه دلیل ترور سادات، امضای پیمان کمپ دیوید و صلح با اسرائیل بوده است می‌نویسد: چند ماه پیش از ترور سادات، وی به خاطر صلح با اسرائیل به شدت در خاورمیانه منفور شده بود. زیرا این اقدام، حرکتی خیانت‌آمیز علیه فلسطینیان محسوب می‌شد. بطوریکه سادات و خانواده‌اش چندین بار به مرگ تهدید شدند.

بی.بی.سی نیز در توضیح علل ترور سادات می‌نویسد: ترور سادات برای عده زیادی، تعجب‌برانگیز نبود اما شرایطی که تحت آن سادات به قتل رسید همچنان عجیب و تعجب‌برانگیز است. گزارش‌های زیادی هستند که ادعا می‌کنند نیروهای امنیتی مصر به خوبی اطلاع داشتند که تلاشی به منظور ترور سادات صورت می‌گیرد اما کاری برای جلوگیری از آن نکردند. برخی‌ها حتی ادعا کرده‌اند که نیروهای امنیتی مصر به سلسله وقایعی که به ترور سادات منتهی شد نیز کمک کرده‌اند. در همین حال عده‌ای نیز با اشاره به آنکه قاتل سادات قادر بوده تا از ایست‌های بازرسی زیادی عبور کند و به رژه نظامی قاهره راه پیدا کند، سناریوی دست داشتن نیروهای امنیتی در ترور سادات را باورپذیر می‌دانند.

* یکی از اهداف قیام‌های اخیر پایان دادن به رنج مردم فلسطین است

گزارش کانترپانچ ادامه می‌دهد: رئیس‌جمهور ریگان از مرگ سادات ابراز تأسف کرد و گفت: آمریکا دوستی بزرگ، جهان یکی از بزرگترین سران کشورها و بشریت نیز قهرمان صلح را از دست داد.

"نبیل راملوی" یکی از مسئولین وقت فلسطین نیز اظهار داشت: ما انتظار داریم چنین پایانی را برای سادات داشتیم. زیرا مطمئن بودیم که وی علیه منافع مردم خودش، ملت‌های عرب و مردم فلسطین عمل کرد.

بر اساس این گزارش، یکی از اهداف پنهان قیام‌های اخیر مردم خاورمیانه و شمال آفریقا، پایان دادن به رنج مردم فلسطین و بازگرداندن حقوق ژئوپولیتیکی آن‌ها در غالب مرزهای به رسمیت شناخته شده از سوی جامعه بین‌الملل است.

* قیام‌های اخیر کشورهای عربی نمایانگر انتفاضه‌ای است گسترش یافته

در واقع می‌توان بی‌عدالتی شرورانه‌ای را که علیه فلسطینیان جریان دارد، به عنوان "مادر" همه شکایات و ناراحتی‌های مسلمانان و اعراب دانست. در همین راستا، قیام‌های اخیر کشورهای عربی نمایانگر انتفاضه‌ای است که گسترش یافته و از مرزهای فلسطین نیز فراتر رفته است.

در نتیجه بدون یک راه‌حل عادلانه و منصفانه برای مشکلات مردم فلسطین، آشفته‌گی سیاسی منطقه همچنان ادامه خواهد یافت و نتایج بغرنجی نیز در پی خواهد داشت.

بر اساس این گزارش، یکی از روزه‌های امیدی که برای حل مشکلات منطقه وجود دارد این است که یهودیان بیشتری متوجه شوند که پروژه توسعه‌طلبانه صهیونیسم رادیکال، غیر قابل دفاع است و در نتیجه به دیگر اشخاص و سازمان‌های یهودی (مثل سازمان یهودیان برای عدالت فلسطینیان) ببینوند که هم‌اکنون نیز به چنین درکی رسیده‌اند و می‌کوشند تا صلح و عدالت را به منطقه بازگردانند.

از سوی دیگر صهیونیسم رادیکال نیز امیدش برای موفقیت پروژه خود را به حمایت قدرت‌های امپریالیستی گره زده است. که البته چنین امیدی از سوی بسیاری از صهیونیست‌ها، بسیار خطرناک است زیرا حمایت قدرت‌های امپریالیستی که بر اساس محاسبات شرورانه ژئوپولیتیکی و منافع اقتصادی خود آن‌ها انجام می‌شود، روزی با توجه به تغییرات منطقه‌ای به پایان خواهد رسید.

* اعراب علیه حامیان امپریالیست دیکتاتورها و استعمارگران نوین آن سوي مرزها قیام کرده‌اند

"یوري اونري" متفکر یهودي در این باره می‌گوید: آینده ما با اروپا یا آمریکا نیست. آینده ما در این منطقه است... این فقط سیاست‌های ما نیست که باید تغییر کند. بلکه چشم‌انداز پایه‌ای ما و گرایش جغرافیایی ما نیز باید تغییر نماید. ما باید بفهمیم که ما یک پایگاه خارجی و واقع در دوردست نیستیم بلکه ما هم بخشی از منطقه هستیم.

در بخش پایانی گزارش کانترپانچ آمده است: برای جمع‌بندی باید گفت که دنیای عرب و مسلمانان هم‌اکنون تنها علیه دیکتاتورهای محلی مثل مبارک در مصر و یا بن علی در تونس قیام نکرده‌اند بلکه مهم‌تر از آن، اعراب علیه حامیان امپریالیست این دیکتاتورها و استعمارگران نوین آن سوي مرزها قیام کرده‌اند.

همانطور که "جیسون دیتز" تحلیل‌گر مشهور سیاست خارجی اخیرا اشاره کرده است، "خشم مردم فراتر از مبارک و زبردستان او و به سمت ایالات متحده و اسرائیل است."

این کلام بدان معناست که قیام اعراب چیزی بزرگ‌تر از خواسته‌های شخصی آزادی، مشکلات مالی و یا دموکراسی‌خواهی است. این قیام‌ها نشانگر فرهنگ رو به رشد مقاومت در برابر نو استعمارگرانی است. قیام‌هایی که آغازگر آن انقلاب اسلامی سال 1979 ایران بود.